

تحلیلی بر جایگاه سرمایه های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محل امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری

مارال احمدی - دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
علیرضا عنادلیب* - دانشیار گروه شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حمید ماجدی - دانشیار گروه شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
زهرا السادات سعیده زرابادی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۶

چکیده

یکی از مشکلات اساسی در فرایند بازآفرینی بافتهای فرسوده شهرهای امروز، عدم توجه به اعمال مفهوم سرمایه اجتماعی بعنوان یکی از پتانسیل‌های محلّه است. اهمیت سرمایه اجتماعی در فرایند بازآفرینی از آن جهت محسوس است که مداخله در بافتهای فرسوده در بیشتر موارد در ظرف مکانی محلّه انجام می‌شود، اما این عنصر معمولاً مغفول باقی میماند. هدف این پژوهش تدوین چارچوبی است که علاوه بر معرفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دخیل در بازآفرینی بافتهای فرسوده و سنجه‌های مرتبط، آنها را در موقعیت بومی ایران و محلّه تاریخی امامزاده یحیی مورد سنجش قرار دهد. روش تحقیق مقاله حاضر، روش کمی و با استفاده از راهبردهای استدلال منطقی، تطبیقی و همبستگی است. نوع پژوهش از لحاظ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی (پیمایشی) است و از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل برای تحلیل اطلاعات استفاده شده است. پس از تکمیل مطالعات نظری با استفاده از مشاهده مستقیم و مصاحبه، کارائی سنجه‌ها در محلّه امامزاده یحیی به کمک سوالات پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شاخص‌های اعتماد و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته مشارکت، در بازآفرینی این محلّه مؤثر و انسجام اجتماعی بلا تأثیر بوده و سرمایه اجتماعی در محلّه امامزاده یحیی با شدت تأثیر ۰٫۹۳+ بر بازآفرینی مؤثر است. در انتها پیشنهادهای در جهت ارتقاء تحقق اهداف بازآفرینی بوسیله سرمایه اجتماعی بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد، انسجام اجتماعی

بیان مسأله

بازآفرینی بعنوان یکی از راهکارهای تدبیری در مواجهه با فرسودگی بافتهای تاریخی است که لزوم توجه به ابعاد اجتماعی در آن بسیار حائز اهمیت میباشد. بر این اساس سرمایه اجتماعی بعنوان یکی از پتانسیل های اجتماعی محله، مفهومی است که در بازآفرینی در دهه های اخیر اهمیتی ویژه یافته است. بافتهای فرسوده با برخورداری از سابقه حیات شهری، ارزشهای اجتماعی- اقتصادی و احساس تعلق دارای پتانسیل های زیادی برای توسعه و امکان مهمی برای تجدید حیات شهری هستند که بی توجهی به آنها می تواند از تحقق کامل اهداف بازآفرینی جلوگیری نماید. سیاستهای بازآفرینی در محلات شهری در بسیاری از کشورها اهداف مشترکی برای تقویت ظرفیت محلات در جهت پایداری و خودگردانی دنبال میکنند (Cole and Etherington, 2005). این هدف با ایجاد و تقویت پیوستگی اجتماعی، افزایش مشارکت، احساس مسئولیت ساکنان و در کل سرمایه اجتماعی محقق می شود (Forrest and Kearns, 2001; Kearns, 2004; Kleinhans, 2004). بنظر میرسد عدم توجه به بعد اجتماعی در فرآیند بازآفرینی بخصوص سرمایه های اجتماعی نزول کیفیت زندگی و محیط شهری را در پی داشته که کاهش حس مطلوبیت، ناامنی، فقر و... را برای این محلات بدنبال داشته است. از تبعات دیگر این خلا، عدم مشارکت مردم و پیدایش رویکردی از بالا به پایین و بدون توجه به الگوهای رفتاری و نظامی غیر مردمی، ایستا و غیر منعطف را میتوان نام برد. همچنین این مسأله با نگاهی از بالا به پایین و توجه صرف به الگوهای دو بعدی و بدون توجه به اثرات روانی این طرح ها بر زندگی مردم و الگوهای رفتاری آن ها نظامی ناکارآمد در این فرآیند پدید آورده است، که نتیجه آن بروز مشکلات اجتماعی چون فقدان هویت، بدبینی مردم به مسئولین و عدم حس تعلق در بافت های فرسوده تاریخی بوده و طبعاً فرآیند بازآفرینی متاثر از این مشکلات است. اهمیت سرمایه اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شهری از آن جهت محسوس است که مداخله در بافت های فرسوده در بیشتر موارد در ظرف مکانی محله انجام می شود؛ به نظر می رسد سرمایه اجتماعی با شامل شدن ارزشهایی چون اعتماد، همبستگی و یکپارچگی اجتماعی به عنوان ظرفیتهای درونی در محلات، میتواند یک اقدام غیرمتمرکز و از پایین به بالا را نوید بخش باشد بر همین اساس شناسایی عوامل و عناصر موثر در این امر از پیش شرط های اساسی در جهت برنامه ریزی برای پیشبرد فرآیند بازآفرینی و تحقق کامل اهداف آن از جمله مشارکت، تقویت حس سرزندگی و ایجاد حس تعلق میباشد. ضرورت این موضوع بالطبع در مورد بافتهای فرسوده تاریخی که از پتانسیل های بالقوه بسیاری برای جذب گردشگر برخوردار هستند، دو چندان است. هدف این مقاله اینست که ضمن بررسی و مرور ادبیات نظری در خصوص بازآفرینی محله و مفهوم سرمایه اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی را در فرآیند بازآفرینی محلات جستجو کرده و به دنبال تعریف اصول و معیارهایی برای تعیین جایگاه سرمایه اجتماعی و سنجش میزان تاثیر آن در فرآیند بازآفرینی میباشد.

پیشینه پژوهش

مفاهیم کلیدی، مؤلفه ها و شاخص های سرمایه اجتماعی اجتماعی در مقالات و پژوهش های زیادی مورد بررسی قرار گرفته که بسیاری از آنها در حوزه جامعه شناسی می باشند. لیکن محققانی نیز به سرمایه اجتماعی از بعد شهرسازی توجه کرده اند و آن را در بستر شهر و محلات شهری دیده اند. در ادامه به تعدادی از تحقیقات انجام شده در جدول شماره ۱ اشاره می گردد. مطالعه پیشینه پژوهش های انجام گرفته نشان می دهد که با توجه به تعاریف متعدد از مفهوم بازآفرینی، نظریه ها و رویکردهای گوناگونی ارائه شده است. ابعاد اجتماعی تقریباً در بیشتر رویکردهای بازآفرینی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی جهت توسعه پایدار محله ای به گونه ای است که برخی از صاحب نظران، بازآفرینی و درکل روند نوسازی محله ای را بدون سرمایه اجتماعی غیرممکن می دانند.

مبانی نظری

در این بخش از مقاله، ضمن مرور ادبیات نظری موجود، مفاهیم مرتبط با کلیدواژه های پژوهش بیان. بدین منظور ابتدا تبیین مفاهیم و واکاوای واژه ها و مروری بر متاخرترین نظریات اندیشمندان مرتبط با متغیرهای اصلی و نهایتاً چارچوب نظری تحقیق ارائه شده است.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی است که با استفاده از پتانسیل خود میزان مشارکت مردم را در بهبود کیفیت زندگی در محلات تحت تاثیر قرار داده و توسعه اجتماعی را بدنبال خواهد داشت. این مفهوم موضوعات گسترده ای مانند بازآفرینی، سلامت، مسکن، امنیت

اجتماعی و کاهش جرایم را در برمی گیرد. در حقیقت مضامینی مانند اعتماد، مشارکت، همکاری و پیوند اجتماعی، که شاخص های سرمایه اجتماعی را تشکیل میدهند نشانگر آن هستند که با ایجاد ارتباط با یکدیگر و تلاش برای حفظ و تداوم آن، مردم میتوانند با همکاری به اهدافی دست یابند که اگر به تنهایی عمل کنند موفق نخواهند شد (فیلد، ۲۰۰۳). در جدول شماره ۲ به مهمترین تعاریف سرمایه اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان خارجی و داخلی اشاره شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش ارتباط بازآفرینی و سرمایه اجتماعی

مولفان	سال	نام اثر	نتایج
وزارت مسکن، برنامه ریزی فضایی و محیطی هلند ^۱	۱۹۹۷	تفاهم نامه سیاست های نوسازی شهری	انتظار می رود جذب و حفظ ساکنان طبقه متوسط در سیاست های بازآفرینی موجب تقویت شبکه های اجتماعی ساکنان حاضر شده و نقش الگویی برای رفتارها و اهداف خانوارهایی با درآمد پایین فراهم می کند.
پاتنام	۲۰۰۰	بولیگ یک نفره: فروپاشی و احیای جامعه آمریکا	سرمایه اجتماعی دیدگاه تحلیلی را در مورد مسائل اجتماعی در محلات بعد از نوسازی فراهم می کند. محلات با سرمایه اجتماعی بالا مکان مناسبی برای پرورش کودکان هستند. در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا فضاهای عمومی تمیز تر و سالم تر، مردم دوستانه تر و خیابان ها امن تر هستند.
وزارت مسکن، برنامه ریزی فضایی و محیطی هلند	۲۰۰۰	مردم چه می خواهند، مردم کجا زندگی می کنند؟	مسئولان محلی، دست اندر کاران مسکن سازی و مسئولان سلامت برای برانگیختن دخالت و مشارکت محلی، ترویج هنجارها، اعتماد متقابل و ارتقاء کمک و همیاری به خود در ساکنان و کارهای داوطلبانه در گروه های اجتماعی، تلاش می کنند. تمامی این موضوعات مربوط به سرمایه اجتماعی است که به تازگی توسط سیاستگذاران در مباحث مربوط به نوسازی و بازآفرینی استفاده می شود.
کرنز و همکاران	۲۰۰۱	اهمیت محله	مسئولان محلی و شرکت های مسکن سازی می توانند در مدیریت اجتماعی کارهای بیشتری انجام دهند، مانند برقراری ارتباط با مشکلات مستاجرین آزار یافته، وساطت بین همسایه هایی که اختلاف دارند و حمایت از ارتباطات ساکنان. تمام این موارد می تواند اعتماد ساکنان را در مورد سازمان هایی که محلات را اداره می کنند برگرداند و افزایش دهد. تحقق این امر نیازمند تلاش موثر ساکنان است. آنها می توانند بر سرمایه اجتماعی در مراودات اجتماعی روزانه و معمولی خود سرمایه گذاری کنند که سبب ایجاد انس و الفت عمومی و سطوح پایه ای اعتماد می شود که جو خوشایند اجتماعی را در محلات نوسازی شده به وجود می آورد.
کرنز	۲۰۰۴	سرمایه اجتماعی، بازآفرین و سیاست های شهری مسکن و نوسازی شهری	لزوم تغییر سیاست نوسازی شهری از استراتژی های صرفاً فیزیکی به رویکردهای اجتماعی و اقتصادی محور .
پریموس ^۲	۲۰۰۴	جدید: سیاست های کنونی هلند	
لیولت ^۳	۲۰۰۴	برنامه های توسعه شهری و تأثیرات شبکه های اجتماعی، اعتماد و هنجارها در اشکال شکال مشارکت محله محور	سیاستگذاران ادعا می کنند که بازآفرینی شهری نباید صرفاً به توسعه کیفیت فیزیکی محلات شهری پردازد، بلکه در عین حال به سلامتی و رفاه اجتماعی (سرمایه اجتماعی) ساکنان نیز توجه داشته باشند.
میدلتون ^۴	۲۰۰۵	سرمایه اجتماعی و محلات کارآمد	اخیراً نظریه سرمایه اجتماعی در مباحث سیاسی در بازآفرینی شهری مطرح شده است. سرمایه اجتماعی که پایداری اجتماعی و توانایی جامعه در کمک به خود را در بر می گیرد و نبود آن عامل مهمی در زوال محله است.
دکر و بولت ^۵	۲۰۰۵	پیشرفت در برنامه های عملکردی تجدید ساختار شهری	فراهم کردن فرصت های جذاب در زمینه بازآفرینی فیزیکی (مسکن سازی) برای ساکنان محلات استراتژی معقولی از منظر سرمایه اجتماعی است.

1. Ministerie van VROM

2. Priemus

3. Lelieveldt

4. Middleton

5. Dekker and Bolt

جدول ۲. اظهار نظرات اندیشمندان درباره سرمایه اجتماعی و بازآفرینی

تعریف	نظریه پرداز
مجموع منابع بالقوه و بالفعلی که در نتیجه تصرف و مالکیت شبکه با دوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده بین افراد - آشنایی و شناخت متقابل - یا به عبارت ساده تر در یک گروه به وجود می آید که برای هر یک از اعضای خود به پشتیبانی از سرمایه ای کم مالکیت جمعی دارد، حمایت های اجتماعی فراهم میکند و آنان را مستحق اعتبار می سازد (بورديو، ۱۹۸۳).	بورديو
مجموعه ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد و همکاری را برای منافع دوجانبه تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۹۸۸).	پاتنام
ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. تعریف کارکردی (کلمن، ۱۹۹۰).	کلمن
وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در میان‌شان مجاز است، در آن سهمیم هستند؛ توانایی های افراد برای کار کردن با یکدیگر، به منظور دست یابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها (فوکویاما، ۲۰۰۱).	فوکویاما
زاده کنش و واکنش افراد میباشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن و آشنا ماندن آدمیان با یکدیگر است و به چشم داشت هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان می‌بالد و گسترده تر می‌شود (پیران، ۱۳۹۲).	پیران

در کل میتوان گفت سرمایه اجتماعی پتانسیلی بالقوه از بعد اجتماعی در جوامع است که با تقویت شاخص هایی چون مشارکت، حس تعلق، اعتماد، هنجارها و ارزش های رایج در جوامع، انسجام اجتماعی، آگاهی و ... میتواند بالفعل شده و به توسعه همه جانبه جامعه بر اساس اهداف مشترک کلیه افراد کمک شایانی نماید.

بازآفرینی

از نظر لغوی واژه "Regeneration" به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن میباشد. بازآفرینی در تعریف کلی، پس از اصلاحات بسیاری که بر روی فرآیند نوسازی به عنوان رویکردی یکپارچه و متضمن ملاحظات کالبدی و کارکردی شهری صورت گرفت، با چند روایت و رهیافت فرعی مورد توجه و استفاده قرار گرفت (Landry, 2012). واژه بازآفرینی فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می گردد. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می شوند که ضمن شباهت های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می گذارند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۵). در این رویکرد توجه به حفظ ارزش های فرهنگی و حفظ ثروت های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه های اجتماعی در فرایند بازآفرینی و غیره مشهود می باشد. در تعریفی دیگر بازآفرینی عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری منجر شود، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی ناحیه ای (منطقه ای) که دستخوش تغییر شده، را فراهم می کند (Roberts, 2000, 19). به عقیده کوچ بازآفرینی از آرمانها و دستاوردهای بازآفرینی که به صورت فرآیندی از تغییرات کالبدی اساسی دیده می شود و تجدید حیات شهری که هرگاه نیاز به اقدام را پیشنهاد می دهد، در تدقیق یک رویکرد با شکست مواجه می گردد، بسیار فراتر حرکت میکند (Couch, 1990, 2). تاکید بر جامعیت و یکپارچه بودن مداخلات و برنامه های بازآفرینی، تلاش برای رشد مجدد فعالیت اقتصادی، تاکید بر بروزرسانی و متناسب کردن شرایط برای زندگی امروزی و در عین حال حفظ هویت و زمینه های فرهنگی و اجتماعی، کاهش تبعیض و نابرابری های اجتماعی و بهبود شرایط اقتصادی منطقه هدف و ادغام مجدد آن در اقتصاد شهر، توجه به نقش بخش خصوصی و فرآیند محور بودن برنامه های بازآفرینی شهری از جمله موارد مشترک میان تمام تعاریف است.

نقش سرمایه اجتماعی در سیاست های بازآفرینی

یکی از ویژگی های اصلی سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم این است که تمرکز تحلیل آن از روی عوامل فردی به الگوی روابط بین افراد، واحدها و موسسات اجتماعی، تغییر یافته است. این مساله این امکان را می دهد که این مفهوم در سطح وسیع تری از سیاست های اجتماعی کاربرد داشته باشد (Middleton et al., 2005, 1711).

سرمایه اجتماعی میتواند با اقدامات بازآفرینی از چند طریق پیوند برقرار کند. برای مثال مداخله ۱ و اختیارداری ۲ از اصول اکثریت اقدامات بازآفرینی هستند، همان طور که از نظر کلمن این مسائل با یکدیگر ارتباط داشته و در توسعه سرمایه اجتماعی موثر هستند. پاتنام نیز درباره عمل متقابل و مشارکت در سرمایه اجتماعی بحث میکند. در نتیجه این مفهوم میتواند در توصیف فعالیت های جمعی در زمینه مداخلات دو طرفه و ایجاد اتحاد و پیوستگی برای دستیابی به اهداف گروهی، مفید باشد (Boix and Posner, 1988). همچنین میتوان گفت سرمایه اجتماعی به علت ویژگی همکاری و تعاون آن، در سطح وسیع تری از ادبیات بازآفرینی قابل بررسی است. سرمایه اجتماعی در ابداع اندیشه بازآفرینی محلات بسیار مهم است چرا که پیوندها و شبکه هایی را در بر می گیرد که برای ایجاد یک بازآفرینی موثر کارایی زیادی دارند (Hibbitt et al., 2001, 158). سرمایه اجتماعی به عنوان پایه و اساس پایداری و ثبات و توانایی جامعه در خودسازی و نبود آن عاملی مهم در زوال محلات شهری است (Middleton et al., 2005, 1711). از طرف دیگر بسیاری از سیاستگذاران ادعا میکنند که بازآفرینی شهری نباید تنها کیفیت فیزیکی محیط را ارتقاء بخشد، بلکه باید به وضعیت مناسب اجتماعی ساکنین نیز بیندیشد (Flint and Kearns, 2006; Lelieveldt, 2004).

همچنین سرمایه اجتماعی به عنوان یک ایده و مفهوم کلی میتواند به سازمان های خصوصی و داوطلب محور کمک کند که درک خود را از منطقه در مورد شبکه ها و ساختارهای آن افزایش دهند (Jochum, 2003). افزایش میزان سرمایه اجتماعی به تقویت نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه وابسته است. انجمن های مدنی نوعی احساس هویت، اثربخشی و کارایی را به فرد می دهند که خود زمینه ساز شکل گیری سرمایه اجتماعی است (قاسمی، فائق، امیر، ۱۳۹۲، ۲۸). در واقع شرایطی که برای ارتقاء سرمایه اجتماعی نیاز است مانند ساخت محیط و فرصت هایی برای مشارکت، همان مواردی هستند که بازآفرینی عنوان میکند. در طی اقدامات بازآفرینی، سرمایه اجتماعی در ارتباط با شبکه های اجتماعی و ارتباطات هر دو ارتباط عمودی میان اجتماع محلی و موسسات دولت و ارتباطات افقی میان خود جوامع را در بر می گیرد (PRI, 2005; Temkin & Rohe, 1998). همچنین مشارکت اجتماعی در برنامه های بازآفرینی که بر اساس روابط و پیوندهای اجتماعی باشد، به رفع موانع میان ساکنان و سیاستگذاران کمک میکند (Hibbitt et al., 2001, 160).

سرمایه اجتماعی در بازآفرینی محلات

سرمایه اجتماعی در بازآفرینی محلات از جنبه های مختلف میتوان یاری رسان باشد. از جمله اینکه میتواند با تمرکز بر روی موضوعاتی مانند منافع تعاملات، هنجارهای مشترک، مناظره و نوع رفتار افراد در فضا، اعتماد و عملکردهای جمعی ساکنین برای اهداف مشترک که همگی از موارد مورد تاکید سیاست گذاران بازآفرینی است، به تحقق اهداف آن در محله کمک کند.

همچنین میتواند دیدگاه تحلیلی مفیدی از وضعیت اجتماعی محله بعد از اتمام بازآفرینی ارائه دهد. همانطور که پاتنام بیان میکند: "محله با سرمایه اجتماعی بالا محیط مناسبی برای پرورش بچه هاست. در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا فضاهای عمومی به نسبت مناطق با سرمایه اجتماعی پایین تر از کیفیت بالاتری برخوردارند، مردم با یکدیگر دوستانه تر رفتار میکنند و امنیت فضاهای عمومی بالاتر است" (Putnam; 2000). همین طور انتظار می رود با جذب و نگاهداشت ساکنان طبقه متوسط شبکه های اجتماعی انگیزه ماندگاری را در ساکنان حال حاضر محلات را تقویت کرده و بدین ترتیب در ایجاد انگیزه برای طبقات پایین اجتماع برای عدم مهاجرت در جهت تحقق حفظ منزلت اجتماعی موثر واقع شود (Ministerie van VROM, 1997, 80-81; Uitermark, 2003). علاوه بر این سبب می شود سیاست های بازآفرینی از استراتژی های غالب فیزیکی به رویکردهای اجتماعی و اقتصادی محور تغییر پیدا کنند (Kearns, 2004, 4-5; Priemus, 2004). در سال های اخیر مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی در بازآفرینی موجبات توجه مسئولان محلی، مسکن و بهداشت و سلامت را برای برانگیختن دخالت و مشارکت محلی، ترویج هنجارها، اعتماد متقابل و ارتقاء کمک و همیاری به خود در ساکنان و کارهای داوطلبانه در گروه های اجتماعی، را فراهم کرده است (Ministerie van VROM, 2000, 174-175; WRR, 2005, Dekker, 2005, 15).

1. Involvement

2. Empowerment

یکی از عوامل مهم در ایجاد پیوند میان سرمایه اجتماعی و بازآفرینی موضوع مداخلات اجتماعی است. قدرتمندترین منبع در توسعه محله باید خود اجتماع باشد. دخالت اجتماعی میتواند اشکال مختلفی داشته باشد که عبارتند از: داوطلب شدن به صورت رسمی، کمک به همسایه، شرکت در قرارها و روابط و برنامه های اجتماعی. این مساله منافع سه گانه ای را برای بازآفرینی در بر دارد که عبارتند از: افزایش پیوندهای اجتماعی، ایجاد مهارت ها و ایجاد احترام به نفس و شبکه ها در مورد کسانی که در این گونه فعالیت ها شرکت دارند (SEU, 1998, 68). مورد بعدی مشارکت است. اشتیاق برای مشارکت اجتماعی در بازآفرینی محله مسلماً بیانگر این موضوع است که مناطق فرسوده نیازمند ساخت و بازسازی سرمایه اجتماعی هستند، همان طور که پاتنام به این مساله تاکید میکند که قدرت اجتماع و ارزش و توانگری مدنی از جنبه های سرمایه اجتماعی است که در تشریح محله بسیار مهم است (Meegan & Mitchell, 2001). پاتنام معتقد است در موضوعاتی مانند تحصیلات، فقر شهری، بیکاری، کنترل جرائم و اعتیاد و حتی سلامتی جوامعی که در مورد مسائل مدنی دخالت میکنند، موفق تر هستند. این بدان معنی است که محلات فقیر و سطح پایین عموماً با فقدان ویژگی های لازم برای همکاری و کمک به خود، تقابل و اعتماد که به بازآفرینی نیز کمک میکند، مواجه هستند و این مساله یکی از نتایج جمعی فرسودگی و زوال آنهاست. از طرفی در مقیاس محلی همیاری دو طرفه و خودیاری به وسیله افزایش تراکم پیوندها و دخالت غیر مستقیم سازمان های اجتماعی میتواند به راحتی صورت پذیرد (Burns and Taylor, 1998)، که این مساله میتواند نقطه روشنی در فرآیند بازآفرینی باشد. در مقیاس جامعه نیز سازمان ها و نهادهای مردمی در جوامعی که مشارکتی اداره می شوند، میتوانند مساله زوال اعتماد را در سازمان های سنتی در عین ارتقاء حس تعلق به صورت همزمان حل نمایند (Leadbeater, 1997). این روند میتواند یک رویکرد جدید برای رسیدگی به محرومیت اجتماعی و بازآفرینی و ایجاد پیوندهای دیگری میان سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی ارائه دهد. در اینجا بعنوان جمع بندی هشت حوزه سرمایه اجتماعی و سیاست های محلی بازآفرینی متناسب برای حمایت از آن که توسط فارست و کرنز شناسایی شده، در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳. حوزه های سرمایه اجتماعی و سیاست های محلی بازآفرینی متناسب برای حمایت از آن

سیاست های محلی	توضیحات	حوزه
فراهم کردن حمایت از گروه های اجتماعی، صدا در اختیار مردم گذاشتن (قدرت)، کمک به یافتن راه حل برای مشکلات، نقش دادن به مردم محلی در فرآیند های سیاسی و سیاست گذاری	این بدان معنا است که مردم احساس کنند صدای آنها به گوش می رسد، در فرآیندهایی که زندگی آنها را تحت تاثیر می دهد دخالت دارند و خود میتوانند تغییرات را بنیان گذاری کرده و در آن نقش داشته باشند.	اختیارات و قدرت
فعالیت ها و سازمان های محلی جدید را به وجود می آورند و اتفاقات محلی را عمومیت بخشیده در معرض دید عموم قرار می دهند.	بدین معنا که مردم در فعالیت های اجتماعی جامعه و اتفاقات محلی نقش دارند و به آن بخوبی توجه دارند.	مشارکت
توسعه و حمایت شبکه های بین سازمان ها در منطقه ایجاد، توسعه و حمایت رسم و رسومات صفات شخصیتی در همکاری میان افراد و سازمان ها که ایده حمایت اجتماعی را توسعه دهد، همسایه های خوب	این که مردم برای شکل گیری گروه های رسمی و غیر رسمی برای پیشبرد علائق شان به یکدیگر کمک کنند. افراد و سازمان ها برای حمایت یکدیگر برای عمل متقابل و حتی منفعت یک طرفه همکاری کنند، انتظار این که زمانی که کمک نیاز است دریافت شود.	فعالیت های مشارکتی و هدفمند شبکه های حمایت کننده و اتحاد و همبستگی
توسعه و ترویج رسم و رسومات قومی که ساکنان تشخیص داده و می پذیرند، مراقبت از روابط اجتماعی هماهنگ و متجانس و ارتقاء تمایلات اجتماعی	این که مردم ارزش ها و هنجارهای رفتاری را به اشتراک می گذارند.	هنجارها و ارزش های جمعی
تشویق ساکنان به اعتماد داشتن در روابط با یکدیگر، برقراری اعتماد در پیمان های سیاسی، دور هم جمع کردن گروه های مخالف و منازعه گر با یکدیگر	این که مردم احساس کننده میشوند به سایر ساکنان و سازمان های محلی که مسئولیت اداره منطقه را بر عهده دارند اعتماد کنند.	اعتماد
تشویق و ترویج حس امنیت در ساکنین، دخالت در ممانعت از جرائم محلی، تدارک شواهد قابل رویت از میزان ایمنی و امنیت ایجاد، توسعه و حمایت از حس تعلق در بین ساکنین،	این که مردم حس امنیت در محله خود داشته باشند و در استفاده از فضاهای عمومی به علت ترس محدود نشده اند. این که مردم حس کنند با سایر ساکنان، خانه و منطقه	امنیت ^۱ حس تعلق ^۱

^۱ . Saftely

پیوند دارند و حس تعلق و وابستگی به محل زندگی و ارتقاء حس هویت مکان با طراحی، نام گذاری و مبلمان مردم آن شهری

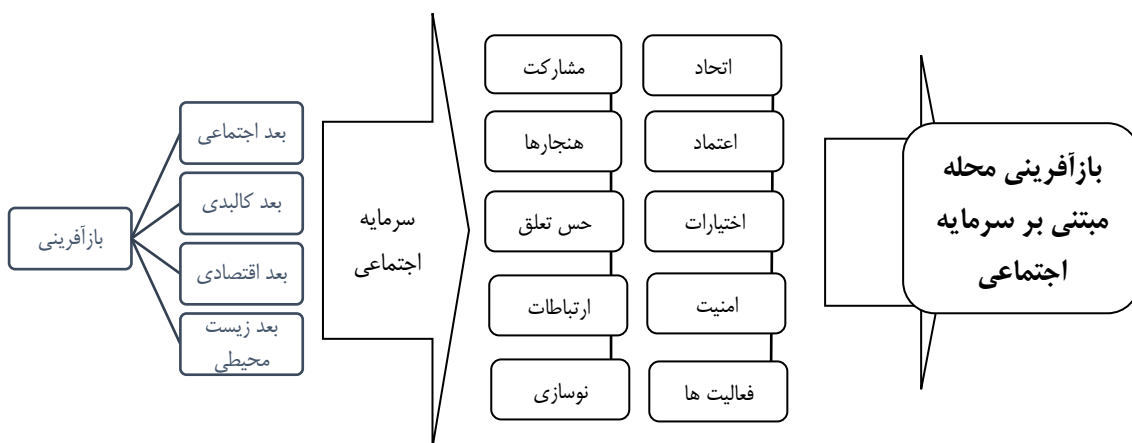
مأخذ: (Forrest and Kearns,2001)

با توجه به جمع بندی حاصل از بخش مطالعات نظری به نظر می رسد بازآفرینی محلات با توجه به نقش سرمایه اجتماعی رویکردی را می طلبد که مشتمل بر اصولی باشد که بین این دو حوزه مشترک بوده و از تلفیق آنها حاصل شده باشد. بنابراین در اینجا ده اصل به عنوان زیربنای ارتباط سرمایه اجتماعی و بازآفرینی به همراه معیارهای هر کدام در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴. اصول و معیارهای بازآفرینی در ارتباط با سرمایه اجتماعی

اصول	معیار	اصول	معیار
مشارکت	شفاف سازی، سازماندهی محلی، داوطلب مداری، توجه، آگاهی، مشارکت عملی، تعاون و همکاری، تشکل گروهی، توسعه سازمانی محلی، فرآیند	هنجارها و ارزش های جمعی	هنجارگرایی، ارزش گرایی، سنت گرایی، تعامل گرایی، جمع گرایی، فرهنگ مداری
حس تعلق	هویت گرایی، مکان گرایی، مهاجرت ستیزی	اعتماد	اطمینان، اعتقاد
اختیارات و قدرت	مداخله و درگیری، قدرت، راهگشایی، کهنه سالاری، رهبری، بومی سازی سیاسی، برنامه ریزی، ظرفیت سازی، سرمایه گرایی، جامع نگری، نیازمحوری	فعالیت های مشارکتی و هدفمند	تعاون و همکاری، تشکل گروهی، توسعه سازمانی محلی، فرآیند محوری
امنیت	عدم محدودیت، آسایش، آرامش، جرم ستیزی محلی، پایداری، امنیت کالبدی، رفتار شناسی	اتحاد و همبستگی (انسجام)	عمل متقابل، همیاری، عدم منفعت طلبی، حمایت اجتماعی، شبکه های خانوادگی و دوستانه، همبستگی قومیتی و مذهبی
ارتباطات اجتماعی	تعاملات اجتماعی، ارتباطات از بالا به پایین، ارتباطات از پایین به بالا، همسایگی، همیاری، امنیت اخلاقی	نوسازی کالبدی	ماندگاری، منزلت اجتماعی، بهسازی، حفاظت، مرمت، بازسازی، احیاء

در نهایت مدل مفهومی زیر که بر اساس مبانی نظری شاخصهای تاثیرگذار بر روند بازآفرینی همه جانبه مبتنی بر سرمایه اجتماعی معرفی می کند، استخراج شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

- چه اصول و معیارهایی در فرآیند بازآفرینی محلات مبتنی بر سرمایه اجتماعی دخیل هستند؟
- کدام یک از شاخصهای اصلی سرمایه اجتماعی بیشترین و کدام یک کمترین تاثیر را در بازآفرینی محله امامزاده یحیی دارند؟

فرضیه پژوهش

اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و هنجارها و ارزش های اجتماعی به عنوان شاخصهای اصلی سرمایه اجتماعی، بر بازآفرینی بافت فرسوده محله امامزاده یحیی تاثیر مثبت و معناداری دارند.

روش پژوهش

نوع تحقیق حاضر از لحاظ هدف پژوهش کاربردی است و از لحاظ ماهیت و نحوه اجرای پژوهش از نوع توصیفی و پیمایشی است؛ زیرا از آن جایی که هدف اساسی از تحقیق کاربردی دستیابی به پیامدهای عملی، پیدا کردن راه حل برای مسائل واقعی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص می باشد. روش تحقیق حاضر کمی است، بعد کمی راهبرد پژوهش به منظور آزمون فرضیه تحقیق، راهبرد همبستگی است. در این راهبرد ثبت ارتباط طبیعی میان متغیرها مورد نظر است و یکی از امتیازهای مهم آن، قابلیت مطالعه گستره وسیعی از متغیرهاست (Grote & Wang, 2009). بعد از تعریف عملیاتی متغیرها و تعیین شاخص ها ، با توجه به فرضیه و متغیرها، وسیله ی اندازه گیری متناسب (پرسشنامه همراه با مصاحبه) به منظور سنجش متغیرهای شکل دهنده ی فرضیه ها طراحی و تنظیم گردید. برای گردآوری داده های تحقیق از روش های کتابخانه ای و میدانی (اسنادی) و از ابزارهایی هم چون مطالعات کتابخانه ای و پرسشنامه استفاده شده است.

به منظور تحلیل اطلاعات پس از نهایی شدن مدل در راستای تبیین تاثیر سرمایه اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری در محله امامزاده یحیی و افزایش تعمیم پذیری مدل ارائه شده از تکنیک تحلیل مسیر در مدلسازی معادلات ساختاری با بهره گیری از نرم افزار لیزرل استفاده شده است که علت استفاده از این تکنیک کاهش خطای مدلهای اندازه گیری و محاسباتی در راستای تبیین همزمان اثرات بوده است.

جامعه آماری

جامعه آماری کلیه ساکنان بافت فرسوده تاریخی در محله امامزاده یحیی می باشند.

روش نمونه گیری و حجم نمونه

در این تحقیق چون تعداد اعضای جامعه آماری مشخص نمی باشد طبق فرمول تعیین اندازه نمونه در جامعه نامحدود در سطح خطای ۵٪ تعداد اعضای نمونه برابر با ۳۸۴ می باشد. برای تعیین حجم نمونه در این روش به صورت دو مرحله ای زیر عمل می کنیم. فرمول کلی حجم نمونه به صورت زیر است.

$$n_0 = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \text{var}(\theta)}{d^2}$$

که در فرمول بالا $Z_{\alpha/2}$ مقدار نرمال استاندارد برای $100(1-\alpha)$ درصد اطمینان است. $\text{var}(\theta)$ واریانس پارامتر برآورد شده و d مقدار خطا می باشد.

البته مقدار $\text{var}(\theta)$ معمولاً نامعلوم است؛ اما می توان به صورت $\text{var}(\theta) = pq$ در نظر گرفت. حسن این کار این است که می توان حداکثر مقدار را برای $\text{var}(\theta)$ در نظر گرفت (حداکثر مقدار امکان پذیر که پیش می آید) این حالت در صورتی رخ می دهد که $p = q = \frac{1}{2}$ باشد.

$$n_0 = \frac{(1.96)^2(0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384.16$$

پس با خطای $d=0.05$ مقدار $n_0=384.16$ می باشد؛ در نتیجه نمونه در این تحقیق ۳۸۴ نفر می باشد که تعداد بیشتری پرسشنامه پخش شد که در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه سالم مورد تحلیل قرار گرفته است. روش نمونه گیری در تحقیق حاضر روش نمونه گیری در دسترس بوده است.

یافته های پژوهش

بررسی آماری و آزمون فرضیات

برای آزمون فرضیه پرسشنامه مبنی بر شاخصهای مطرح در چارچوب نظری و سنجه های آنها طراحی و داده ها بر آن اساس از محله امامزاده یحیی در بخش شرقی محله عودلاجان در منطقه ۱۲ تهران بدست آمده است. پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده ها، از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف^۱ به کمک نرم افزار SPSS استفاده شده تا از نرمال بودن داده ها اطمینان حاصل گردد، که به دلیل قرار داشتن تمام مقادیر معناداری بیش از ۰٫۰۵، متغیرها نرمال هستند در ادامه نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی هر یک از متغیرهای پژوهش توسط نرم افزار لیزرل آورده شده است. لازم به ذکر است که به منظور کاهش متغیرها و در نظر گرفتن آنها به عنوان یک متغیر مکنون، بار عاملی به دست آمده باید بیشتر از ۰/۳ باشد (مؤمنی، فعال قیومی، ۱۳۸۶).

آزمون فرضیات اصلی تحقیق توسط تحلیل مسیر

در این تحقیق برای تأیید یا رد فرضیات از مدل معادلات ساختاری و بطور اخص تحلیل مسیر استفاده شده است. لازم به ذکر است قبل از این مرحله از تحلیل عاملی برای سنجش میزان همبستگی هر متغیر مشاهده گر (سوال پرسشنامه) با متغیر مکنون (عامل ها) انجام شده است. سنجه هایی که دارای همبستگی پایین بوده و معنادار نباشند (به دلیل قرار داشتن عدد معناداری در بازه ۱٫۹۶ تا -۱٫۹۶) از روند تحلیل حذف می شوند که در اینجا تعاملات اجتماعی به این علت کنار گذاشته شده است (جدول شماره ۵).

نتایج تخمین حاکی از مناسب بودن نسبی شاخص ها دارد. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۵۷۷٫۵۲ می باشد که نسبت به درجه آزادی (df) باید کمتر از عدد ۳ باشد که در این مدل اینگونه است، پس خروجی لیزرل مورد تأیید می باشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده های مشاهده شده تحقیق است. مقدار RMSEA که معیار بد بودن مدل (شاخص میانگین مجذور خطاهای مدل) است برابر با ۰٫۰۷۸ می باشد. حد مجاز RMSEA، ۰/۰۸ است. بنابراین از این لحاظ مشکلی نیست و مدل به خوبی تعریف شده است. شاخص های AGFI، GFI و NFI نیز به عنوان معیارهای خوب بودن مدل بترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۴ و ۰/۸۷ می باشد که چون بالاتر از ۰٫۷ به عنوان مرز مطلوبیت قرار دارند، نشان دهنده برازش مطلوب مدل می باشد. همچنین شاخص P-Value نیز معیاری دیگر برای سنجش مناسب بودن مدل است که باید کمتر از ۰٫۰۵ باشد که در این مدل صفر است. بنابراین شاخص های برازش مناسب و بجز تعاملات اجتماعی تمامی آنها در روند تحلیل جهت مدل سازی معادلات ساختاری باقی ماندند.

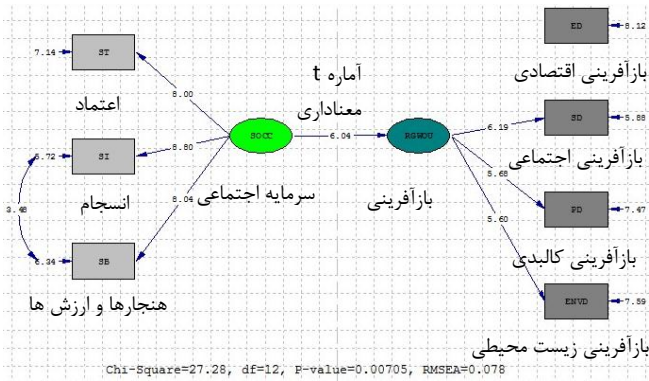
پس از تأیید شاخص های منتخب هر یک از مولفه ها مدل ساختاری زیر تاثیر متغیر مستقل سرمایه اجتماعی را بر متغیر بازآفرینی بافت فرسوده شهری نشان داده است. ایان ذکر است گویه های پرسشنامه در مورد شاخص های مورد بررسی از جدول شماره ۴ استخراج و بر اساس آنچه در جدول شماره ۵ آمده، طراحی شده است. مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. عدد مابین سرمایه اجتماعی و بازآفرینی در این شکل ضریب مسیر است که نشان دهنده شدت تاثیر

^۱. Kolmogorov-Smirnov test- test K-S

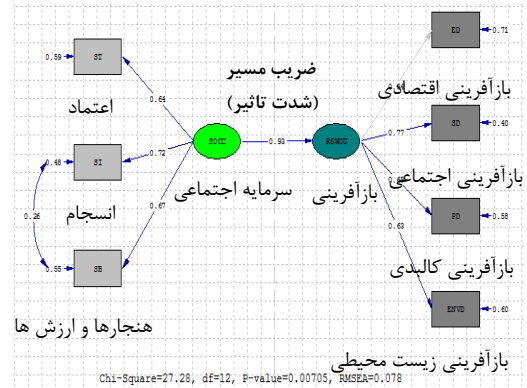
سرمایه اجتماعی بر بازآفرینی میباشد. در تحقیق حاضر بر روی محله امامزاده یحیی سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت به اندازه ۰,۹۳ بر بازآفرینی دارد.

جدول ۵. نتیجه تحلیل عاملی تاییدی متغیرهای وابسته و مستقل

متغیر مستقل	بار عاملی	عامل	متغیر وابسته	بار عاملی	ضریب معناداری
اعتماد اجتماعی	۰,۴۸	میزان مشارکت	بعد اقتصادی	۰,۷۹	۱۱,۲۵
	۰,۱۲	تعاملات		۰,۲۳	۲,۵۲
	۰,۴۵	اعتماد بین سطحی		۰,۲۶	۲,۹۳
	۰,۳۲	تعهد		۰,۴۱	۴,۶۶
	۰,۶۱	حکروایی		۰,۶۵	۷,۷۸
سرمایه اجتماعی	۰,۵۹	آگاهی	بازآفرینی	۰,۴۰	۴,۹۲
	۰,۵۷	تبادل		۰,۳۹	۴,۷۶
	۰,۶۸	مشارکت عملی		۰,۵۵	۷,۰۳
	۰,۷۶	همکاری		۰,۶۱	۸,۰۳
	۰,۷۱	داوطلبی		۰,۶۵	۸,۷۹
	۰,۷۶	شبکه های اجتماعی		۰,۵۴	۶,۸۸
	۰,۶۸	حس تعلق		۰,۷۰	۹,۶۳
	۰,۵۶	مداخله		۰,۷۱	۱۰,۰۲
	۰,۲۹	حمایت		۰,۷۰	۹,۷۰
	۰,۷۳	عمل متقابل		۰,۴۵	۵,۷۱
انسجام اجتماعی	۰,۸۲	احترام	بعد کالبدی	۰,۶۸	۹,۴۰
	۰,۷۲	خودپاری		۰,۴۱	۵,۲۲
	۰,۳۵	فرهنگ		۰,۴۴	۵,۶۰
هنجارها و ارزش های اجتماعی	۰,۴۸	ارزش مداری	بعد زیست محیطی	۰,۴۶	۵,۵۸
	۰,۶۵	آموزش		۰,۹۱	۱۴,۴۷
	۰,۷۶	جمع گرایی		۰,۸۹	۱۴,۰۵



شکل ۳. مدل ساختاری در حالت ضرایب معناداری

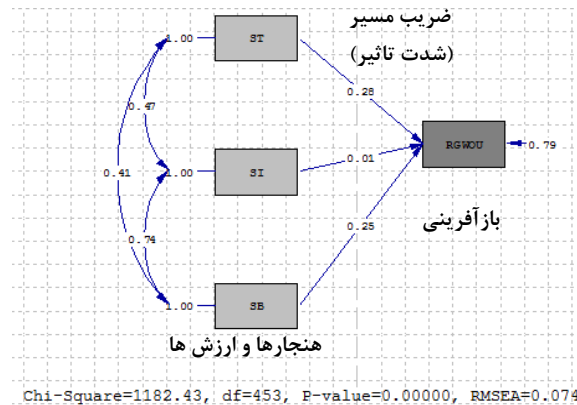
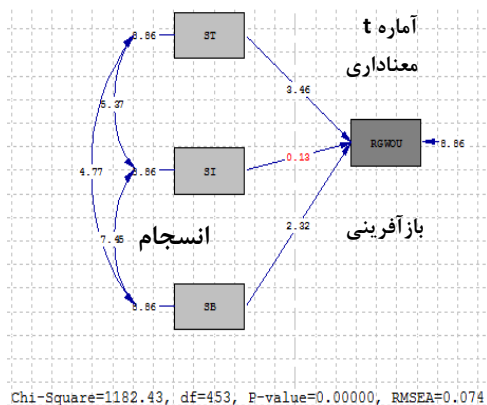


شکل ۲. مدل سازی معادلات ساختاری در حالت تخمین استاندارد

در آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری، خروجی نرم افزار نشان دهنده مناسب بودن مدل ساختاری برازش یافته برای آزمون فرضیات هستند. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 (معیار بد بودن مدل) محاسبه شده برابر با ۱۱۴۷,۲۱ میباشد که نسبت به درجه آزادی (df) باید کمتر از عدد ۳ باشد، که در این مدل اینگونه است، پس خروجی لیزرل مورد تایید میباشد. میزان $RMSEA = 0,078$ که معیار بد بودن مدل (شاخص میانگین مجذور خطاهای مدل) میباشد و باید کمتر از ۰,۰۸ باشد، نیز نشان دهنده مناسب بودن برازش نسبی مدل معادلات ساختاری است. به عبارت دیگر داده های مشاهده شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی تحقیق است. مقدار GFI ، $AGFI$ و NFI نیز به عنوان معیارهای خوب بودن مدل بترتیب برابر با ۰/۹۵، ۰/۸۹ و ۰/۹۵ میباشد که نشان دهنده برازش مناسب مدل میباشد. همچنین شاخص P -Value معیاری دیگر برای سنجش مناسب بودن مدل، باید کمتر از ۰,۰۵ باشد که در این مدل ۰,۰۰۷ است. همچنین مقدار آماره تی یا ضریب معناداری که نشان دهنده میزان معنادار بودن رابطه هستند، همانطور که در شکل شماره ۲ مشخص است، ۰,۰۴ میباشد؛ که این بدین معنا است که سرمایه اجتماعی تأثیری مثبت به اندازه و معنادار به اندازه ۰,۰۴ بر بازآفرینی داشته است.

بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری بر مبنای مدلسازی معادلات ساختاری

در انتها به بررسی تأثیر هر یک از شاخص های سرمایه اجتماعی به صورت جداگانه بر بازآفرینی برای تکمیل آزمون فرضیه پرداخته شده است. نمودار ۴ بیانگر تحلیل مسیر در حالت تخمین استاندارد و نمودار ۵ تحلیل مسیر در حالت معناداری هستند.



هنجارها و ارزش ها

شکل ۴. مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد

شکل ۵. مدل ساختاری در حالت ضرائب معناداری

نتایج تخمین (قسمت زیرین شکل های پیشین) حاکی از مناسب بودن نسبی شاخص ها دارد. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۱۱۸۲٫۴۳ میباشد که نسبت به درجه آزادی (df) باید کمتر از عدد ۳ باشد که در این مدل اینگونه است، پس خروجی لیزرل مورد تایید میباشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده های تحقیق است. مقدار RMSEA (معیار بد بودن مدل) برابر با ۰٫۰۷۴ میباشد. پس از این لحاظ مشکلی نیست و مدل به خوبی تعریف شده است. همچنین شاخص P-Value نیز معیاری دیگر برای سنجش مناسب بودن مدل است که باید کمتر از ۰٫۰۵ باشد که در این مدل صفر است. بنابراین شاخص های برازش مناسب تعریف شده اند.

تحلیل یافته های پژوهش

نتایج زیر در تبیین مدل بدست آمده است و تحلیل ها نشان داد که:

- ✓ اعتماد اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- میزان ضریب مسیر برابر ۰٫۲۸ و معناداری به میزان ۳٫۴۶ بوده است؛ بدین ترتیب با تغییر ۱ واحد یا ۱۰۰ درصد در اعتماد اجتماعی؛ بازآفرینی بافت فرسوده شهری به میزان ۰٫۲۸ واحد یا ۲۸ درصد بهبود می یابد؛ همچنین فرضیه تأیید شده است؛ زیرا میزان ضریب معناداری در بازه بحرانی ۱٫۹۶ و -۱٫۹۶ قرار نداشته است.
- ✓ انسجام اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری تاثیر ندارد.
- میزان ضریب معناداری بدست آمده (۰٫۱۳) در ناحیه بحرانی ۱٫۹۶ و -۱٫۹۶ بوده است و با سطح اطمینان ۹۵ درصد مفروض تحقیق انسجام اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری اثرگذار نبوده است؛ در این راستا می بایست در تحقیقات آتی اقدام به مصاحبه با خبرگان شود و دلایل شناسایی شوند.
- ✓ هنجارها و ارزش های اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- میزان ضریب مسیر برابر ۰٫۲۵ و معناداری به میزان ۲٫۳۲ بوده است؛ بدین ترتیب با تغییر ۱ واحد یا ۱۰۰ درصد در هنجارها و ارزش های اجتماعی؛ بازآفرینی بافت فرسوده شهری به میزان ۰٫۲۵ واحد یا ۲۵ درصد بهبود می یابد؛ همچنین فرضیه تأیید شده است؛ زیرا میزان ضریب معناداری در بازه بحرانی ۱٫۹۶ و -۱٫۹۶ قرار نداشته است.
- بنابراین فرضیه تحقیق در مورد هنجارها و ارزش های اجتماعی تأیید و در مورد انسجام اجتماعی رد شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل های آماری میتوان گفت پتانسیل سرمایه اجتماعی موجود در محله تاریخی فرسوده امامزاده یحیی که میتواند در فرآیند بازآفرینی موثر واقع شود از لحاظ آماری حدوداً ۶۰٪ است.

نتیجه گیری

طی حدود سه دهه نظریه پردازی و اجرای رویکرد بازآفرینی شهری سیر تکامل بازآفرینی شهری از حوزه توجه به کالبد، به عرصه تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر یافته است و منجر به ظهور بازآفرینی شهری اجتماع محور گردیده است. رویکردهای متأخر مداخله در بافتهای تاریخی، در پی تعامل اجتماعی و تأکید بر نقش گروههای اجتماعی بوده اند (پوراحمد، حبیبی، کشاورز، ۱۳۸۹، ۹۲-۷۳). از طرفی با توجه به نتایج اقدامات بازآفرینی شهری در نقاط مختلف جهان، اعتماد و مشارکت شهروندان، بعنوان مؤلفه اثربخش در موفقیت پروژه های بازآفرینی، امری خودجوش نخواهد بود و مستلزم دخالت عوامل متعدد است و این آن چیزی است که سرمایه اجتماعی با حضور در فرآیند بازآفرینی قادر به تامین آن است.

در این پژوهش به دنبال جواب به این سوال بودیم که چه اصول و معیارهایی می تواند در بازآفرینی مبتنی بر سرمایه اجتماعی تاثیر گذار باشد. بر اساس تحلیل محتوای متون نظری موجود در زمینه بازآفرینی محلات و شاخص های سرمایه اجتماعی، مجموعه ای از اصول و معیارهای موثر بر بازآفرینی محله مبتنی بر سرمایه اجتماعی معرفی گردیده است. این اصول در بعد اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و ارزش های اجتماعی، حس تعلق، مشارکت، امنیت، فعالیت های مشارکتی و هدفمند، اتحاد و همبستگی

(انسجام اجتماعی) و ارتباطات اجتماعی، در بعد حکمروایی شامل اختیارات و قدرت و در بعد شامل کالبدی نوسازی کالبدی می باشد که برای هر کدام از آنها معیارها و سپس سنجه هایی تعریف شد.

پرسش بعدی در مورد میزان دخالت و تاثیر گذاری سه شاخص منتخب دخیل در این فرآیند بر اساس مدل تحقیق بطور اخص در محله امامزاده یحیی می باشد. با توجه به مطالعات انجام شده میتوان گفت که اعتماد، هنجارها و ارزشهای اجتماعی، مشارکت و انسجام اجتماعی به عنوان شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی به تحقق اهداف بازآفرینی جامع و کامل کمک بسیاری میکنند و دخالت عوامل مختلف سرمایه اجتماعی در اقدامات بازآفرینی ضروری میباشد. تحقیق حاضر با مطالعه بر روی محله تاریخی و فرسوده امامزاده یحیی بیانگر این مساله است که بطور یقین وجود سرمایه اجتماعی با ضریب تاثیر بالا (۹۳٪) بر بازآفرینی این محله تاثیر دارد. نتایج حاصل از تحلیل ها نشان می دهد که اعتماد اجتماعی و هنجارها و ارزش های اجتماعی بر بازآفرینی بافت فرسوده محله امامزاده یحیی تاثیر گذار و انسجام اجتماعی بر آن بی اثر بوده است و بیشترین تاثیر مربوط به شاخص اعتماد و کمترین انسجام اجتماعی می باشد.

شایان ذکر است در تحقیق حاضر جهت جلوگیری از پیچیدگی در روند انجام تحلیل و به دلیل وابستگی مشارکت به شاخص های مورد مطالعه (مشارکت بعنوان متغیر وابسته)، این شاخص از روند تحلیل های کمی حذف شده است. شکل گیری مشارکت و چگونگی عضویت و همکاری افراد جامعه در تشکل های غیردولتی و فعالیت های دسته جمعی سازمان یافته تحت تاثیر عوامل متعددی است. یکی از مهمترین این عوامل اعتماد است. جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود. از طرف دیگر، اعتماد شرط اصلی و کلیدی برای موجودیت هر جامعه است. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح آمیز حفظ می شود، که این به نوبه خود پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری های سازنده است.

امروزه بیشترین توافق در این زمینه وجود دارد که اعتماد مولفه ضروری در همه انواع روابط اجتماعی است. می توان گفت که اعتماد نتیجه برهم کنش های اجتماعی موجود در گروه ها، انجمن ها و فعالیت های اجتماعی است. از این رو اعتماد را می توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اعتماد افراد به هم، افراد به نهادها و دولت و به عکس، یعنی اعتماد دولت به شهروندان، سبب توسعه و تمیق مشارکت های اجتماعی می شود. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت دارای همبستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان های غیردولتی و انجمن های داوطلبانه از جمله نتایجی هستند که می توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه مناسب تری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد به عنوان یک سرمایه اجتماعی با ارزش تلقی می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این متغیرها همگی در ارتباط با هم و متغیر های وابسته سرمایه اجتماعی بوده که متضمن وجود آن هستند. به عبارتی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بعنوان متغیرهای مستقل یا توضیحی مشارکت رکن اصلی فصل مشترک دو موضوع سرمایه اجتماعی و بازآفرینی می باشند، که با توجه به تایید دو مورد از فرضیات تحقیق به تاثیر گذاری شاخص مشارکت در بازآفرینی محله امامزاده یحیی پی برد.

همچنین بنظر میرسد با اینکه انسجام اجتماعی در بازآفرینی این محله بی اثر بوده اما میتواند بر بازآفرینی موثر باشد؛ بخصوص این مورد در سطح متوسط که اثر گروه های اجتماعی کوچک مردمی بر سرمایه اجتماعی در بهبود بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی بارز است، میتواند نقشی کلیدی داشته باشد. اما در کل آنچه بیش از سایر موارد حائز اهمیت است این موضوع است که این تحقیق با توجه به شاخص های مورد آزمون سرمایه اجتماعی در محله تاریخی امامزاده یحیی، نشانگر وجود سرمایه اجتماعی که امکان تسریع و کمک به فرآیند بازآفرینی را دارد، به میزان ۶۰ درصد یعنی بالاتر از حد متوسط میباشد، که این مورد میتواند نقطه قوتی در جهت بازآفرینی این بافت تاریخی به شمار آید.

در اقدامات بازآفرینی بخصوص در بافت های مرکزی شهر اغلب مهاجرت و جابجایی اتفاق می افتد، که این امر ضرورت انجام اصالت بخشی و حفظ منزلت اجتماعی را ایجاب میکند. این مساله سبب ایجاد چالش های زیادی در باره موضوعات مرتبط با برابری اجتماعی، پیدایش همبستگی اجتماعی و در کل سرمایه اجتماعی می شود. چرا که با حفظ منزلت اجتماعی در بافتهای تاریخی دارای پتانسیل جذب گردشگر میتوان موجبات ارتقاء شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی را در محله ای مانند امامزاده یحیی فراهم نمود. بنابراین میتوان از پتانسیل سرمایه اجتماعی برای حفظ جوامع محلی در طول مداخلات در برنامه های بازآفرینی بهره برد. در نهایت میتوان چنین اظهار کرد که شاخصهای سرمایه اجتماعی با شاخص های بازآفرینی بافت فرسوده بخصوص ابعاد اجتماعی و کالبدی آن، رابطه ای تنگاتنگ دارند که در این تحقیق نیز در محله مورد آزمون این رابطه در مورد مشارکت، اعتماد و ارزش های

و هنجارهای اجتماعی مشخص شد. در مورد شاخص های دیگر نیز با توجه به مطالعات انجام شده و تجربیات میدانی کسب شده توسط نگارندگان میتوان گفت این رابطه به صورت کلی فارغ از مکانی مشخص به طور یقین وجود دارد. آنچه به عنوان نتیجه گیری کلی میتوان بیان داشت این است که در فرآیند بازآفرینی بافت های فرسوده تاریخی بعد اجتماعی با تمام شاخص های زیر مجموعه آن به همان میزان بعد کالبدی و چه بسا بیشتر از بعد اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی حائز اهمیت بوده و عدم توجه به آن میتواند فرآیند بازآفرینی و اهداف آن را به نابودی بکشاند. به طور کلی یک ارتباط دو طرفه بین سرمایه اجتماعی و بازآفرینی وجود دارد. از یک طرف دخالت و مشارکت اجتماعی بر اساس میزان ذخیره سرمایه اجتماعی به فرآیند بازآفرینی شهری کمک میکند و از طرف دیگر سرمایه اجتماعی در گروه ها و سازمان های اجتماعی در طول فرآیند بازآفرینی افزایش می یابد. آنچه که می توان در این تحقیق به عنوان مساله اصلی در مقایسه با تحقیقات پیشین اشاره کرد، عدم تاثیرگذاری شاخص مهم انسجام اجتماعی در مورد این محله به صورت خاص و در این موقعیت زمانی می باشد. چرا که در اکثریت مقالات کلیه شاخص های سرمایه اجتماعی در روند بازآفرینی موثر ارزیابی شده اند، اما با توجه به موقعیت محله تاریخی امامزاده یحیی و مساله مهاجرت پذیری و نابودی منزلت اجتماعی و عدم ماندگاری ساکنان اصیل این محله این عامل که می تواند نقش مهمی در بازآفرینی مبتی بر سرمایه اجتماعی ایفا کند کمرنگ شده است و در ارزیابی های کمی تاثیر اندکی برای آن گزارش شده است. در حقیقت این پژوهش نشانگر این موضوع است که قابلیت تاثیرگذاری هر یک از عوامل یاد شده با توجه به ظرف و مکان متغیر و قابل تغییر و حتی حذف شدنی می باشد.

پیشنهادهای

- در انتها برای دستیابی به اهداف بازآفرینی با سرمایه اجتماعی در محلات تاریخی فرسوده این تحقیق موارد زیر را موثر می داند:
- ✓ توجه به لزوم حفظ زندگی بومی ساکنان اصیل به منظور دستیابی به بازآفرینی موفق با حفظ سرمایه های اجتماعی.
- ✓ توجه به نقش پررنگ عوامل اجتماعی-فرهنگی محلات و منزلت اجتماعی در بازآفرینی محلی.
- ✓ اولویت ساکنان اصیل محله در کلیه مراحل سرمایه گذاری و مشارکت.
- ✓ تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی به منظور تسهیل مشارکت و مداخلات اجتماعی در فرآیند بازآفرینی محلی.
- ✓ ایجاد مدیریت محله ای مردمی برای هر یک از محلات از طریق شورا یاری.
- ✓ تخصیص فضاهای عمومی به کاربری های ضامن تعاملات اجتماعی و افزایش سرانه این کاربری ها.
- ✓ ارتقاء سطح امنیت از طریق ارتقاء احساس مسئولیت و اعمال کنترل غیررسمی و طراحی کالبدی مناسب (ایجاد تمهیدات کالبدی).

منابع و مآخذ

- بوردیو، پیر. (۱۹۸۳). *نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- پاتنام، رابرت. (۱۹۸۸). *دموکراسی و سنت های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث، کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۱)، ۷۳-۹۲.
- پیران، پرویز (۱۳۹۲). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*. تهران: نشر علم.
- فوکویاما، فرانسیس. (۲۰۰۱). *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- فیلد، جان. (۲۰۰۳). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه ی جلال متقی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاسمی، وحید، فائق، سحر، و امیر، آرمین. (۱۳۹۲). سنجش سرمایه اجتماعی و سطح بندی آن در طبقات مختلف مناطق ۴۱ گانه شهر اصفهان در سال ۹۱-۱۳۹۰. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۳)، ۷-۳۰.
- کلمن، جیمز. (۱۹۹۰). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مومنی، منصور؛ و فعال قیومی، علی. (۱۳۹۶). تحلیل آماری با استفاده از SPSS. تهران: انتشارات کتاب نو.
- Boix, C., and Posner, D. (1998). Social capital: the politics behind, ECPR Newsletter Special Feature on Social Capital and Trust, 13-19.
- Burns, D., & Tylor, M. (1988). *Mutual Aid and Self Help*. Polity Press, Bristol.

- Dekker, S. (2005). Voortgang Actieprogramma Herstructurering (Progress in the Action Programme Urban Restructuring). Letter to the Second Chamber of Parliament, DGW/ SR2005019562, The Hague: Ministry of Housing, Spatial Planning and the Environment.
- Dekker, K., & Bolt, G. (2005). Social cohesion in post-war estates in the Netherlands: Differences between socioeconomic and ethnic groups. *Urban studies*, 42(13), 2447-2470.
- Flint, J., & Kearns, A. (2006). Housing, neighbourhood renewal and social capital: the case of registered social landlords in Scotland. *European Journal of Housing Policy*, 6(1), 31-54.
- Forrest, R., & Kearns, A. (2001). Social cohesion, social capital and the neighbourhood. *Urban studies*, 38(12), 2125-2143.
- Grote, L.; Wang, D. (2009). *Research Methods in Architecture*. Translated by A. Ainifer, Tehran University Press, Tehran. [in Persian].
- Hibbitt, K., Jones, P., & Meegan, R. (2001). Tackling social exclusion: the role of social capital in urban regeneration on Merseyside—from mistrust to trust?. *European Planning Studies*, 9(2), 141-161.
- Kearns, A. (2004). Social Capital, Regeneration and Urban Policy, Centre for Neighbourhood Research Paper 25, <http://www.neighbourhoodcentre.org.uk>.
- Leadbeater, C. (1997). Civic Spirit: The Big Idea for a New Political Era, Demos/New Statesman, London.
- Lelieveldt, H. (2004). Helping citizens help themselves: Neighborhood improvement programs and the impact of social networks, trust, and norms on neighborhood-oriented forms of participation. *Urban affairs review*, 39(5), 531-551.
- Meegan, R., & Mitchell, A. (2001). 'It's not community round here, it's neighbourhood': neighbourhood change and cohesion in urban regeneration policies. *Urban studies*, 38(12), 2167-2194.
- Middleton, A., Murie, A., & Groves, R. (2005). Social capital and neighbourhoods that work. *Urban Studies*, 42(10), 1711-1738.
- Ministry of VROM (1997). Nota Stedelijke Vernieuwing (Policy Memorandum Urban Renewal). *Ministry of Housing, Spatial Planning and the Environment, The Hague*.
- Ministry of VROM. (2000). Mensen-Wensen-Wonen. Wonen in de 21ste Eeuw [What people want, where people live. Housing in the 21st century].
- Priemus, H. (2004). Housing and new urban renewal: current policies in the Netherlands. *European Journal of housing policy*, 4(2), 229-246.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and schuster.
- Temkin, K., & Rohe, W. M. (1998). Social capital and neighborhood stability: An empirical investigation. *Housing Policy Debate*, 9(1), 61-88.
- Uitermark, J. (2003). 'Social mixing' and the management of disadvantaged neighbourhoods: The Dutch policy of urban restructuring revisited. *Urban Studies*, 40(3), 531-549.